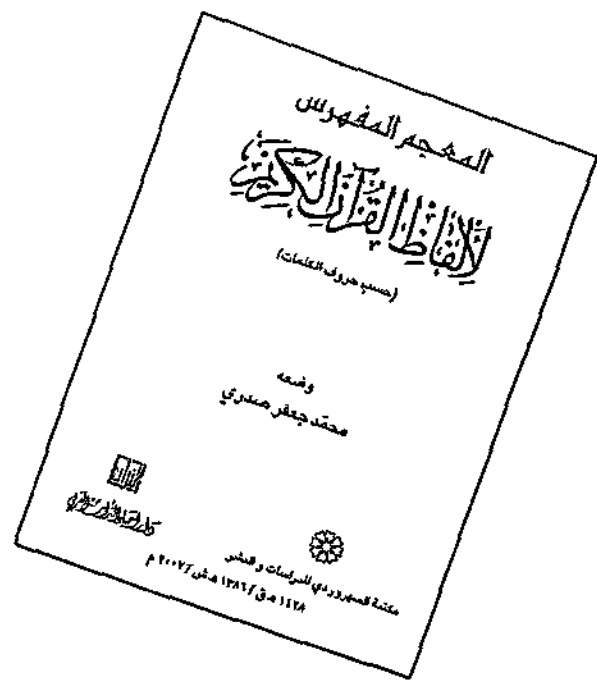


# گامی نو و شایسته در معجم نگاری قرآنی

محمدعلی مهدوی راد



المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الكريم، محمد جعفر صدري، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، دوم (در ویرایش ریشه ای) و اول (در ویرایش الفبایی)، ۱۳۸۶ (در هر دو ویرایش)، قطع و تعداد صفحات: وزیر، ۱۸۰۰ صفحه (در ویرایش ریشه ای) و ۱۷۶۰ (در ویرایش الفبایی).

## پیشینه معجم نگاری قرآنی

قرآن کریم از معدود کتاب هایی است که از آغاز نزول آن تا کنون، کانون توجه بسیاری از انسان ها بوده و هر کس به فراخور نیاز خویش - اعم از نیازهای معرفتی و معنوی - به سراغ آن رفته و می رود؛ از این رو در میان مردم جهان، به ویژه مسلمانان، مراجعه کنندگان فراوانی دارد.

حجم نسبتاً زیاد قرآن کریم و فراوانی آیات آن از یک سو و گستردگی و جامعیت مطالب آن از سوی دیگر، محققان بسیاری را از دیرباز تا زمان حاضر بر آن داشته تا معجم های لفظی و موضوعی گوناگونی را برای این کتاب آسمانی تدوین کنند. برخی از مشهورترین این معجم ها که به چاپ رسیده و در دسترس همگان قرار گرفته، به شرح زیر است:

الف) معجم های قدیم: ۱- مفتاح کنوز القرآن از میرزا کاظم بک، فتح الرحمن لطالب آیات القرآن از علمی زاده فیض الله الحسنی، المرشد إلى آیات القرآن الکریم و کلماته از محمد فارس برکات، معجم ألفاظ القرآن الکریم از مجمع اللغة العربیة در مصر، معجم الألفاظ و الأعلام القرآنیة از محمد اسماعیل ابراهیم، الموسوعة القرآنیة المیسرة (ج ۳ و ۵) از ابراهیم الأبیاری، نجوم الفرقان فی أطراف القرآن از گوستاو فلرگل، و سرانجام، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم<sup>۱</sup> از محمد فزاد عبدالباقی.<sup>۲</sup>

۱. برای اطلاع کامل از معجم های قرآنی قدیم، ر. ک به: المعجم الإحصائی، ج ۱. در این کتاب ارزشمند، گزارش های توصیفی و انتقادی مفصلي در باب معجم های قرآنی واژه یاب آمده است.
۲. در سال های اخیر، ویرایش های جدیدی از این کتاب به بازار عرضه شده است که ساختار کلی آنها تغییر چندانی نکرده است؛ تنها تفاوت آنها در افزودن متن قرآن، مشکل ساختن آیات و یا تغییر روش ترتیب مدخل ها از ریشه ای به الفبایی و امثال آن بوده است؛ مانند: المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم از حسین اعلمی (ببیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۴۲۰ ق/ ۱۹۹۹ م)، اثر دیگری یا همین نام از محمد سعید اللحام (ببیروت: دار المعرفة، ۱۴۲۵ ق/ ۲۰۰۵ م)، ترتیب المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم؛ از محسن بیدارفر؛ (قم: بیدارفر، ۱۳۸۱ ش) و المعجم المفهرس، از عبدالرحیم عقیقی بخشایشی (قم: مکتبه توبه اسلام، ۱۳۸۳ ش = همان ویرایش اعلمی به همراه متن قرآن کریم).
۳. برای اطلاع از زندگی نامه او، ر. ک به: الأعلام بزکلی، ج ۶، ص ۳۳۳.

گامی نو و شایسته در معجم نگاری قرآنی



معجم های جدید: فهرس الألفاظ از محمود رامیار، المعجم المفهرس لآیات القرآن الکریم از الیاس کلاتیری (تهران: اسوه، ۱۳۷۷ ش)، معجم کلمات القرآن العظیم از محمد عدنان سالم و محمد وهبی سلیمان (بیروت: دار الفکر المعاصر - دمشق: دار الفکر، ۱۴۱۹ ق/ ۱۹۹۸ م)، المعجم المفهرس لکشف آیات القرآن از رضا کیان زاد (تهران: کیان کتاب، ۱۳۸۰ ش/ ۱۴۲۲ ق)، المعجم الإحصائی لآلفاظ القرآن الکریم از محمود روحانی (مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ ش) و معجم ألفاظ القرآن الکریم از حسان عبدالمتان (ریاض: بیت الأفكار الدولیة، ۱۴۲۱ ق/ ۲۰۰۰ م).

المعجم المفهرس لآلفاظ القرآن الکریم اثر دانشمند فقید مصری، مرحوم محمد فؤاد عبدالباقی (۱۲۹۹-۱۳۸۸ ق) به طور قطع مهم ترین، ارزشمندترین، کارآمدترین و متداول ترین فرهنگ واژه یاب قرآنی به شیوه ریشه ای است که تا کنون فراهم آمده است. این کتاب که در سراسر جهان اسلام قبول عام یافته و از دیرباز، همه قرآن پژوهان را در پژوهش های قرآنی خود یاری رسانده است، نخستین بار در سال ۱۳۶۴ ق/ ۱۹۴۵ م در قاهره و توسط دار الکتب المصریة به چاپ رسیده و پس از آن، در همان جا و برخی دیگر از کشورهای اسلامی، مانند لبنان، سوریه، ترکیه، ایران و... به همان صورت اولیه و اخیراً گاه با تغییرات اندکی تجدید چاپ شده است. این معجم نقطه ی عطفی است در تاریخ نگارش معجم های واژه یاب قرآنی که بخشی از آیه قرآن را به همراه دارد.

مؤلف همان گونه که در مقدمه کتاب اظهار می کند، در تدوین این معجم، خود را وام دار مستشرق آلمانی، گوستاو فلوگل و کتاب ارزشمندش نجوم الفرقان فی أطراف القرآن (منتشر شده در سال ۱۸۴۲ م) می داند. عبدالباقی اثر فلوگل را سنگ بنای کار خویش قرار داده، با مراجعه مکرر به منابع لغوی و تفسیری و افزودن آیات قرآن کریم و نشان دادن سیاقی که واژه قرآنی در آن به کار رفته، اثر ماندگار خویش، یعنی المعجم المفهرس را پدید آورده است.

المعجم المفهرس دارای سبکی بدیع، زیبا و برخوردار از دقت و اتقان نسبی است، ولی علی رغم امتیازات فراوانی که دارد، دارای نقاط ضعف و کاستی هایی نیز هست که بر قرآن پژوهان و مراجعه کنندگان به آن، پوشیده نیست. در ادامه این مقال و به تناسب، به برخی از این کاستی ها اشاره می کنیم.

امروزه با گذشت حدود هفت دهه از نخستین چاپ معجم عبدالباقی و با توجه به پیشرفت ابزارها و امکانات معجم نگاری و نیز تجربه های فراوانی که در این حوزه صورت گرفته و حاصل

آن هم اکنون در معرض دید و ارزیابی همگان قرار دارد، نباید همچنان به حاصل کار پیشینیان بسنده کرد و پیوسته بر سر مفرد حاضر و آماده آنان نشست، بلکه انتظار می رود در پرتو نقد و بررسی میراث گذشتگان و مشخص ساختن نقاط قوت و ضعف آن و نیز با به کارگیری ابزارها و امکانات جدید، گامی به جلو نهاد و اثری نو، کارآمد و پیراسته از کاستی های آثار پیشینیان و برخوردار از نقاط قوت و جهات مثبت آنها پدید آورد؛ به گونه ای که بتواند حتی الامکان کار اطلاع رسانی در این حوزه را توسعه کمی و کیفی دهد و با رعایت معیارهای معجم نگاری، نیازهای مراجعه کنندگان را در دستیابی به آیه و آیات مورد نظر، به درستی و به آسانی و در کمترین زمان ممکن تأمین نماید.

معجم حاضر گامی است مبارک و قابل تجلیل در راستای جامه عمل پوشاندن به این مهم که به ویژه با بهره گیری از اثر ارزشمند و ماندگار مرحوم محمد فؤاد عبدالباقی، یعنی المعجم المفهرس لآلفاظ القرآن الکریم پدید آمده است.

این معجم در دو شکل جداگانه - هم به صورت ریشه ای و هم به صورت الفبایی - توسط دفتر پژوهش و نشر سهروردی منتشر گردیده است. آن گونه که در صفحات آغازین کتاب آمده، این دو معجم حلقه اول و دوم از یک مجموعه چندجلدی با عنوان «موسوعة المعاجم و البحوث القرآنیة» است که دیگر عناوین آن عبارت است از:

- المعجم المفهرس للأدوات و الضمائر فی القرآن الکریم (در دست تهیه)؛

- المعجم المفهرس لمعانی ألفاظ القرآن الکریم (بخش اسماء و افعال)؛

- المعجم المفهرس لمعانی الحروف فی القرآن الکریم؛

- المعجم المفهرس للتراکیب المکررة فی القرآن الکریم (در دست تهیه)؛

- المعجم التحلیلی لإعراب القرآن الکریم و صرفه؛

توفیق مؤلف محترم را برای اتمام این مجموعه ارزشمند، از خداوند بزرگ مسئلت داریم.

#### ساختار کلی معجم

هر یک از این دو معجم، از سه بخش تشکیل شده است: مقدمه، متن معجم و مؤخره. در مقدمه هر دو کتاب، مؤلف محترم در باب معرفی کتاب و ویژگی ها و امتیازات آن در مقایسه با معجم عبدالباقی به تفصیل سخن گفته است و نگارنده نیز در نگارش این معرفی، افزون بر مراجعات و مشاهدات مکرر روزانه و استفاده مستقیم خود، بسیار از آن استفاده کرده است.

ویژگی های کلی معجم

برخی از مهم ترین ویژگی های معجم حاضر به شرح زیر است:  
 ۱- افزودن متن کامل قرآن کریم: در راستای تسهیل و تسریع در دستیابی به مقصود، متن کامل قرآن کریم به خط زیبای خطاط مشهور سوری، عثمان طه در کنار ۶۰۴ صفحه نخستین معجم آمده است.

۲- اعراب گذاری کامل آیات و مشکل ساختن آنها: در معجم حاضر، علاوه بر مدخل ها، تمامی آیات قرآن نیز دارای اعراب است و به صورت مشکل آمده است. مؤلف در ارتباط با فایل قرآن مورد استفاده در تهیه معجم خود و میزان صحت آن می نویسد (مقدمه فارسی ویرایش ریشه ای، ص ۱۰):

فایل متن عربی قرآن کریم که در تهیه معجم حاضر مورد استفاده قرار گرفته است، علاوه بر تصحیح اولیه در آغاز کار و نیز تصحیحات مکرر در طول بیش از هفت سال آماده سازی آن، چند بار توسط کارشناسان و مصححان سخت کوش «سازمان دارالقرآن الکریم» تصحیح شده است؛ به گونه ای که به جرئت می توان ادعا کرد که اگر بی غلط نباشد، دست کم غلطهای آن نزدیک به صفر است و از این بابت خدای بزرگ را سپاس می گوئیم. بر این اساس، امید آن می رود که معجم حاضر از هر گونه سهو و اشتباه و از آن جمله اشتباهاتی که در معجم محمد فؤاد عبدالباقی، چه در ناحیه مدخل ها و چه در ناحیه آیات قرآنی و دیگر بخش های آن راه یافته، مصون مانده باشد.<sup>۴</sup>

۴. پاره ای از این اشتباهات بدین شرح است:

برخی از مدخل های غلط اعراب گذاری شده اند، مثلاً: «فَاتِيَتْوَا» به جای «فَاتِيَتْوَا»، «أَزْوَأَجَك» به جای «أَزْوَأَجَك»، «ضَرَّ» به جای «ضَرَّ» و «يَزْعَمُونَ» به جای «يَزْعَمُونَ» و با استفاده از همزه قطع به جای همزه وصل در مدخل های «أَنْتَ»، «أَنْتَا»، «أَنْتَا»، «أَنْتَوَا» و ... در برخی از آیات، کلمه ای به جای کلمه ای دیگر آمده است، مانند: «قَالُوا» به جای «قَالَ» (در ذیل مدخل «جِنَّتَا»، طه: ۵۷)، کلمه «الْمَلِكِمْ» به جای «السَّمِيعِ» (در ذیل مدخل «شَيْءٌ»، سوری: ۱۱) و «لِلْكَافِرِينَ» به جای «لِلظَّالِمِينَ» (در ذیل مدخل «تَارَأَ»، کهف: ۲۹). این جابه جایی در برخی دیگر از آیات به گونه ای دیگر صورت گرفته است؛ مثلاً ذیل مدخل «يَهْتَدُونَ»، به جای آیه ۱۶ سوره ی نحل، آیه ۱۵ که کلمه ی «يَهْتَدُونَ» در آن به کار رفته آمده است، و یا ذیل مدخل «أَزْوَأَجَك»، به جای آوردن ابتدای آیه ۱۱ سوره ی ممتحنه، انتهای آن که مشتمل بر کلمه «أَزْوَأَجَكُم» است آمده است. عکس مورد اخیر، در مورد مدخل «اللَّهِ» اتفاق افتاده، یعنی در سوره یوسف، آیه ۴۰، به جای آوردن قسمت اخیر آیه، قسمت نخست آن که مشتمل بر واژه ی «اللَّهِ» است، آورده شده است و یا ذیل مدخل «يَضْرِبُونَ» (انفال: ۵۰)، آن مقدار از آیه که ذکر شده، فاقد این کلمه است.

در چاپ نخست ویرایش ریشه ای آن، مقدمه کتاب هم به زبان فارسی و هم به زبان عربی آمده است؛ در حالی که در چاپ دوم آن، در برخی از نسخه ها مقدمه فارسی و در برخی دیگر، مقدمه عربی آمده است. در انتهای مقدمه، به منظور تسریع و تسهیل استفاده از معجم، مطالبی زیر عنوان «راهنمای استفاده از کتاب حاضر» در یک صفحه ذکر شده است که می تواند بسیار کارآمد باشد.

در مؤخره کتاب، علاوه بر خلاصه مقدمه کتاب به زبان انگلیسی، چند پیوست حاوی برخی اطلاعات مفید نیز به چشم می خورد: «فهرست واژه های دشواریاب قرآنی و ریشه های آنها» (در ویرایش ریشه ای)، «فهرست سوره ها و آیات مکتبی و مدنی»، «فهرست کلماتی که به یخش ادوات و ضمایر ارجاع شده است» (در ویرایش ریشه ای)، «فهرست اسامی سوره های قرآن» (در ویرایش الفبایی، به ترتیب حروف الفبا) و «فهرست منابع و مأخذ».

ساختار کلی معجم حاضر، علی رغم شباهت های بسیاری که به معجم محمد فؤاد عبدالباقی دارد و در حقیقت، به نوعی اقتباس از آن است و بدین جهت، به همان نام نامیده شده، دارای تفاوت های عمده و بارزی است. این معجم تقریباً همانند معجم عبدالباقی به صورت دو ستونه که هر ستون آن، خود، متشکل از شش ستون فرعی است، به شرح زیر تنظیم شده است: (۱) ستون مدخل یا واژه قرآنی؛ (۲) ستون آیه و آیات قرآن که واژه ی مورد نظر در آن به کار رفته است؛ (۳) ستون شماره آیه؛ (۴) ستون شماره صفحه قرآن؛ (۵) ستون نام سوره؛ (۶) ستون شماره سوره.

با توجه به دقت و تأملی که در هنگام آماده سازی معجم حاضر به کار رفته است، به جرئت می توان گفت این معجم در بین معجم های واژه یاب که مدخل های قرآنی را در بافت خاص خود نشان می دهند، از جایگاه ویژه ای برخوردار است؛ و به عبارت دیگر، معجم حاضر امتیازات همه معجم های قدیم و جدید یاد شده را - که پیش از این به برخی از آنها اشاره شد - به همراه پاره ای از امتیازات دیگر در خود جمع کرده است؛ البته این بدان معنی نیست که معجم مورد نظر فاقد هر گونه ضعف و کاستی است. برخی از کاستی های معجم در روایت الفبایی آن که یک سال پس از روایت ریشه ای آن منتشر گردیده، بر طرف شده است؛ به گونه ای که بنا به گفته مؤلف، می توان روایت الفبایی را از یک نظر، ویرایش جدیدی از روایت ریشه ای آن دانست. امید است کاستی های روایت ریشه ای نیز در چاپ های بعدی بر طرف شود.

ویژگی های هر دو معجم را می توان به سه دسته اساسی تقسیم کرد: ۱- ویژگی های کلی؛ ۲- ویژگی های ستون مدخل؛ ۳- ویژگی های ستون آیات.



۳- افزودن ستون شماره صفحات: به منظور تسریع و تسهیل در جستجوی آیات، ستون ویژه ای برای نشان دادن شماره صفحه ای که آیه مورد نظر در آن واقع شده، تدارک دیده شده است. شماره صفحات مطابق با رسم الخط خوشنویسی شده عثمان طه است که در متن صفحات نخستین معجم نیز تعبیه شده است؛ از این رو، با به خاطر سپردن شماره صفحه و شماره آیه به راحتی و در کمترین زمان ممکن می توان به آیه مورد نظر دست یافت.

گفتنی است این ستون به جای ستون تعیین مکی و مدنی در معجم محمد فؤاد عبدالباقی آمده است. سوره ها و آیات مکی و مدنی طی پیوستی جداگانه در انتهای معجم مشخص گردیده است.

۴- افزودن ریشه کلمات: به منظور آشنایی با ریشه همه مدخل ها، افزون بر ذکر ریشه اوکین و آخرین مدخل در قسمت سرصفحه، در متن معجم و پیش از هر واژه و یا واژه های هم خانواده، ریشه آنها نیز ذکر شده است. این امر علاوه بر آشنا ساختن مراجعه کننده با ریشه یکایک واژه ها او را در مراجعه به کتاب های لغت و فهم معنای واژه ها نیز کمک می کند.

اهمیت این امر، هنگامی بیشتر روشن می شود که بدانیم در معجم عبدالباقی، به طور مستقل به ذکر ریشه کلمات پرداخته نشده است، بلکه فقط در قسمت سرصفحه، تنها ریشه اوکین و آخرین مدخلی که در هر صفحه به کار رفته، ذکر شده است؛ از این رو، به ریشه کلماتی که بین اوکین و آخرین مدخل قرار گرفته اند، هیچ اشاره ای نشده است؛ بنابراین در معجم عبدالباقی، از مجموع ۱۷۷۱ ماده قرآنی، تنها به ریشه ۴۹۱ مورد در سرصفحات اشاره شده است.<sup>۵</sup>

۵- اتخاذ دو شیوه ریشه ای و الفبایی، البته به طور جداگانه: همان گونه که پیش از این اشاره کردیم، مؤلف محترم در ارائه معجم خود از هر دو شیوه، یعنی شیوه ریشه ای (ترتیب مدخل ها بر اساس ریشه آنها) و شیوه الفبایی (ترتیب مدخل ها بر اساس حروف ابتدای آنها) استفاده کرده است. وی در مورد جهات مثبت و منفی هر یک از این دو شیوه، چنین می نویسد (مقدمه فارسی ویرایش ریشه ای، ص ۱۲):

نگارنده معتقد است: افراد در مراجعه به هر یک از این دو نوع معجم، بسته به میزان آشنایی خویش با ادبیات عرب و به ویژه ریشه کلمات از یک سو، و تفتن شخصی و شیوه ها و سلیقه های به کار گرفته شده توسط تهیه کننده آنها، با مشکلات خاصی روبرو است، و از این رو، نمی توان به طور کلی یک شیوه را به طور مطلق بر شیوه دیگر ترجیح داد.

شیوه الفبایی - که امروزه بیش از پیش مورد توجه معجم نگاران قرار گرفته - هر چند در دستیابی به اکثر کلمات کارگشا تر است و انسان را سریع تر به آیه مورد نظر رهنمون می شود، ولی در مورد برخی از واژه ها کارایی لازم را ندارد؛ مثلاً در مورد جستجوی واژه های دارای «ال»، تا از سلیقه تهیه کننده معجم اطلاع نداشته باشد که آیا آن را در ترتیب خود به حساب آورده یا نه، نمی تواند به سرعت و به سهولت، به آیه مورد نظر خویش دست پیدا کند و بر فرض که دانست مثلاً تهیه کننده در هیچ جا «ال» را به حساب نیاورده است، باز در مورد واژه هایی مثل «اللّه»، «الذی»، «الّتی» و «الیس» دچار مشکل می شود؛ چرا که «ال» در ابتدای این چند واژه، هر چند «ال» متعارف نیست تا بنا بر فرض، مثل بقیه موارد، نادیده گرفته شود، ولی با همزه ابتدای این چند کلمه، معامله همزه وصل موجود در ابتدای کلمات دارای «ال» می شود؛ یعنی به هنگام اتصال به کلمه قبل، همزه اول آن تلفظ نمی شود و این امر می تواند برای بسیاری از افراد موجب سردرگمی و مستلزم صرف زمان باشد.

از این مورد نیز که بگذریم، به کلماتی می رسمیم که حروف متصلی نظیر: «یا»، «تا»، «سا» و ... بر سر آنها در آمده و یا حروف منفصلی مانند: «ا»، «و» و ... قبل از آنها قرار گرفته است و کسانی که با ادبیات عرب آشنایی نداشته باشند، مجموع آنها را یک کلمه به حساب می آورند. در این گونه موارد نیز مراجعه کننده ممکن است دچار سردرگمی شود؛ بنابراین کارایی شیوه الفبایی و سهولت سرعت استفاده از آن نیز مستلزم پیش تیاژهایی است.

شیوه ریشه ای نیز مشکلات خاص خود را دارد. عواملی از جمله ۱- ناآشنایی بسیاری از مراجعه کنندگان با ریشه

۵. ر. ک به: المعجم الإحصائی، ج ۱، ص ۱۲.

۶. صاحب نظران در مورد «ال» موجود در ابتدای این کلمات و کلمات مشابه اختلاف نظر دارند: مثلاً المعجم الإحصائی و معجم کلمات القرآن العظیم که معمولاً «ال» در ابتدای کلمات را به حساب نمی آورند، همه این کلمات را در باب «الف» آورده اند، ولی محمد فؤاد عبدالباقی سه مورد اول را در باب «الف» و مورد اخیر را در ذیل ریشه ای مع «و» و باب «یا» آورده است؛ این در حالی است که «الّتی» و «الذی» در لسان العرب، در ذیل ماده «ی» و «تا» (ج ۱۲، ص ۲۳۳)، در الصحاح، ذیل ماده «لّتی» (ج ۶، ص ۲۴۷) و در المنجد، به ترتیب ذیل ریشه «ل» ت «ی» و «ل» ذی «ذی» (ص ۷۱۲ و ۷۱۹) ذکر شده اند؛ البته به نظر می رسد در مورد این گونه کلمات و نیز همه واژه های «دخیل» بهتر است همه حروف صورت مفرد آن کلمه به عنوان ریشه در نظر گرفته شود.

کلمات؛ ۲- اختلاف نظر صاحب نظران در مورد ریشه برخی از کلمات؛ ۳- وجود پاره‌ای از واژه‌های دخیل و غیرعربی در میان واژه‌های قرآنی؛ ۴- دیرپای بودن ریشه برخی از کلمات حتی برای آشنایان با ادبیات عرب و ریشه کلمات، به ویژه در مواردی که بین ریشه واقعی کلمه و ریشه‌ای که در بدو امر به ذهن انسان متبادر می‌شود،<sup>۸</sup> و اموری دیگر، این شیوه را در نزد برخی از صاحب نظران ناکارآمد جلوه داده است.

ولی نباید از نظر دور داشت که اولاً بسیاری از افراد، به ویژه ادیبان، قرآن پژوهان و تحصیل کردگان حوزه‌های علمی در پرتو سال‌های متممادی مراجعه به معجم‌های ریشه‌ای، اعم از معجم‌های قرآنی و معجم‌های لغت که اکثر قریب به اتفاق آنها بر همین اساس تدوین شده است، یا این شیوه خو گرفته‌اند و از این رو، آن را ترجیح می‌دهند و دره‌یابی از طریق این شیوه، با مشکل چندانی روبرو نیستند؛ ثانیاً آشنایی با ریشه کلمات، خود، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و فهم دقیق معانی کلمات، و از آن جمله، کلمات قرآنی تا حدود زیادی متوقف بر آن است؛ به ویژه با توجه به این نکته که اکثر کتاب‌های معتبر لغت بر اساس همین شیوه تدوین شده‌اند؛ ثالثاً در مواردی که انسان مفهوم کلمه‌ای را به صورت اجمال در ذهن دارد و ساختار صرفی دقیق آن را به خاطر نمی‌آورد و یا بیش از آنکه در صدد یک جستجوی لفظی باشد، در پی یک جستجوی «مفهومی» و یا «لفظی-مفهومی» است و از این رو، لازم است همه مشتقات یک ریشه را یک جا و در کنار هم مشاهده کند، بدیهی است نه تنها شیوه ریشه‌ای بهتر و سریع‌تر او را به مقصد و مقصود می‌رساند، بلکه گاه چنین امکانی در شیوه الفبایی غیرممکن می‌نماید؛ در هر حال، هر یک از این دو شیوه دارای جهات مثبت و منفی مخصوص به خود هستند و هر کدام مخاطب خاص خود را دارند.

با این حال، در ویرایش ریشه‌ای، علاوه بر استفاده از شیوه ارجاع در موارد متعدّد، جدول واژه‌های دشواریاب موجود در ابتدای معجم عبدالباقی نیز تکمیل و تصحیح، و ریشه آنها ذکر شده است (پیوست شماره ۱).

برای نمونه، مراجعه کننده واژه‌های «یکتب»، «سکتب» و «الکتاب» را در ویرایش ریشه‌ای، تماماً در «باب الکاف» و ذیل ریشه «ک ت ب» جستجو می‌کند؛ در حالی که در ویرایش الفبایی، «یکتب» را در «باب الباء»، «سکتب» و «الکتاب» را (با نادیده گرفتن حرف «س» و «ال» به ترتیب، در «باب النون» و

«باب الکاف» دنبال خواهد کرد.

۶- استفاده از شیوه ارجاع: یکی از شیوه‌هایی که مؤلف در تنظیم معجم خود به کار گرفته و تا حدود زیادی کار دستیابی به مدخل‌ها و نهایتاً آیه و یا آیات مورد نظر را تسهیل و تسریع می‌کند و در معجم‌های مشابه نیز دیده نمی‌شود، استفاده از شیوه ارجاع است. وی در مجموع، بیش از پانصد مورد در محورهای زیر از این شیوه استفاده کرده است:

الف) در مواردی که صاحب نظران در تشخیص ریشه یک کلمه اختلاف نظر داشته باشند. در این گونه موارد، پس از ذکر کلمه یاد شده ذیل ریشه صحیح‌تر و یا ارجح، از ذیل ریشه یا ریشه‌های ادعایی دیگر، بدان ارجاع داده است؛ مثلاً کلمه «التراقی» را ذیل ریشه «ت ر ق» ذکر کرده و از ذیل ریشه‌های «ر ق و» و «ر ق ی» به آن ارجاع داده است.

در تعیین ریشه صحیح کلمات، به جز در موارد بسیار نادر، کتاب ارزشمند معجم ألفاظ القرآن الکریم تهیه شده توسط «مجمع اللغة العربیة» در مصر، مبنای کار بوده است؛ همچنان که در دستیابی به اختلاف آراء در ریشه کلمات، کتاب گرانقدر المعجم الإحصائی لألفاظ القرآن الکریم اثر دکتر محمود روحانی مورد استفاده قرار گرفته است.

ب) در مواردی که بین ریشه واقعی یک کلمه و ریشه‌ای که در بدو امر به ذهن انسان متبادر می‌شود، تفاوت وجود داشته باشد. مثلاً واژه «یَلْتَكُمُ» که از ماده «ل ت» یَلْتُ، لَيْتاً (مثل بَاعَ، بَيْعٌ، يَبِيعُ، يَبِيعاً) است، ذیل ریشه «ل ی ت» ذکر شده، از ذیل ریشه «و ل ت» بدان ارجاع داده شده است؛ چرا که در بدو امر این احتمال می‌رود که «یَلْتَكُمُ» بر وزن «یَعِدُّكُمْ» و از ریشه «و ک ت» یَلْتُ باشد.

ج) در مواردی که در یکی از حروف اصلی کلمه «قلب» صورت گرفته و یکی از حروف آن به حرفی دیگر تبدیل شده باشد، مانند واژه «ادگر» و «تدخرون» که هر دو از باب «افتعال» و به ترتیب، از ریشه «ذ ک ر» و «ذخ ر» هستند و بر اساس قواعد این باب، بدین صورت درآمده‌اند. در این جا، پس از ذکر واژه‌های یاد شده ذیل ریشه «ذ ک ر» و «ذخ ر»، از ذیل ریشه «د ک ر» و «دخ ر» به آنها ارجاع داده شده است.

د) در مواردی که یکی از حروف اصلی یک واژه حذف شده باشد و در این صورت، با واژه‌ای دیگر قابل اشتباه باشد، مانند

۷. برای آشنایی با اختلاف آراء در باب ریشه کلمات قرآنی، ر. ک به:

المعجم الإحصائی؛ ج ۱، ص ۵۸۳.

۸. برای مشاهده برخی از این قبیل واژه‌ها، ر. ک به: پیوست شماره ۱) در انتهای ویرایش ریشه‌ای کتاب.



واژه «دُعَا» (ابراهیم: ۴۰) که در اصل «دُعَانِي» بوده و «یاء متکلم» از آخر آن حذف شده و در نتیجه، با واژه «دُعَاء» که دارای حرکت اعرابی جر است، قابل اشتباه است. در این جا، پس از تفکیک مواضع ذکر آنها و با اشاره به اصل واژه ای که یکی از حروف آن حذف شده (مثل دُعَانِي)، از هر دو موضع به یکدیگر ارجاع داده می شود.

هـ) در مواردی که وزن برخی از کلمات بین دو یا چند ساختار صرفی مشترک باشد؛ مانند آنکه یکی «فعل» باشد و دیگری «وصف». در این گونه موارد، با اشاره به اسم یا فعل بودن کلمه و قرار دادن آن در جای مناسب، از هر دو موضع به یکدیگر ارجاع داده شده است؛ مثل واژه «أَعْلَمُ» که در برخی از آیات فعل است (مثلاً بقره: ۳۰، ۳۳ و اعراف: ۶۲ و ۱۸۸) و در برخی دیگر، صیغه تفضیل (مثلاً بقره: ۱۴۴ و آل عمران: ۳۶). همچنین است اگر در مورد ساختار صرفی یک کلمه اختلاف نظر وجود داشته باشد؛ در این صورت نیز، پس از ذکر آن کلمه در موضع دارای ترجیح، از موضع دیگر بدان ارجاع داده می شود؛ مثلاً واژه «تَوَلَّوْا» در آیه «قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَمَا تَتَوَلَّوْا فَمَا لَیُبْغِبَ الْكَافِرِينَ» (آل عمران: ۳۲)، که محتمل است کلمه یاد شده، یا فعل مضارع باشد (بر وزن «تَفَعَّلُوا» که بر اساس قواعد باب «تَفَعَّلَ»، یکی از دو «ت» از اول آن حذف شده و یا فعل ماضی (بر وزن «تَفَعَّلُوا». با توجه به سیاق خطاب در آیه، احتمال اول مرجح دانسته شده، از این رو، آن را در موضع اول ذکر کرده است و از موضع دیگر بدان ارجاع داده است.

ز) با توجه به تغییر مواضع ذکر برخی از واژه های دخیل در معجم حاضر در مقایسه با معجم محمد فؤاد عبدالباقی، پس از ذکر واژه های دخیل در جای مناسب و ذیل ریشه صحیح خود، با اشاره مجدد به واژه های مورد نظر در موضع ذکر محمد فؤاد عبدالباقی، به موضع صحیح آنها ارجاع داده است.

۷- جامع و مانع بودن در پوشش واژه های قرآنی: معجم حاضر از نقطه نظر دامنه پوشش کلمات قرآنی تا حدود زیادی شبیه معجم عبدالباقی است؛<sup>۹</sup> بنابراین از مجموع اقسام سه گانه کلمه، یعنی اسم و فعل و حرف، تمامی افعال و بخش عمده ای از اسماء را در همین کتاب آورده و تمامی حروف و آن بخش اندک باقیمانده از اسما که کمتر مورد نیاز است، یعنی ۱- همه ضمائر؛ اعم از ضمائر متصل و منفصل؛ ۲- همه اسماء موصول؛ ۳- همه اسماء اشاره؛ ۴- همه اسماء استفهام؛ ۵- همه اسماء شرط را قرار

است در کتابی دیگر و در «بخش ادوات و ضمائر» از همین مجموعه ذکر کند.

ویژگی های ستون مدخل

ستون «مدخل» دارای ویژگی هایی است که در این جا به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۹- معجم محمد فؤاد عبدالباقی در زمینه پوشش واژه های قرآنی، خالی از ضعف نیست. در این جا، به برخی از مهم ترین آنها اشاره می شود: اولاً: برخی از مدخل ها را از قلم انداخته است؛ مانند واژه «اللَّهُ» (فاتحه: ۱)، «عَنْدَ» (بیته: ۸)، «مَعَ» (مائده: ۸۳ و انفال: ۱۹ و ۲۶)، «بِعْتَانِكُمْ» (کهف: ۱۲، ۱۹) و «تَقْضُصُهُمْ» (نساء: ۱۶۴). در واژه اخیر هر چند جداگانه نیامده است، ولی اشتباهاً به ترتیب، ذیل مدخل «بِعْتَانِكُمْ» و «تَقْضُصُ» ذکر شده اند؛ البتّه این موارد غیر از موارد پانزده گانه ای است که خود وی پیش از انتشار کتاب متوجه و در مقدمه، متذکر آن شده است. گفتنی است هر دو دسته از این واژه های از قلم افتاده - چه آنهایی که عبدالباقی خود متذکر شده و چه آنهایی که از چشم او مخفی مانده است - در درون معجم و در جای مناسب خویش گنجانده شده است.

در این جا، یادآوری این نکته شایسته است که تعداد کاربرد واژه «اللَّهُ» در معجم حاضر - مطابق با شمارش المعجم الإحصائی (ر. ک به: ج ۱- ص ۲۲۰-۲۲۱) - برابر با ۲۶۹۹ مورد است «اللَّهُ»: ۹۸۰ مورد، «اللَّهُ»: ۵۹۲ مورد و «اللَّهُ»: ۱۱۲۷ مورد؛ این در حالی است که عبدالباقی تعداد کاربرد کلمه «اللَّهُ» را ۱۱۲۵ مورد ذکر کرده است که با این حساب، مجموع کاربرد واژه «اللَّهُ» بالغ بر ۲۶۹۷ مورد می گردد. معجم الفاظ القرآن الکریم نیز به تبع از او، همین رقم را ذکر کرده است. منشأ این اختلاف عبارت است از: ۱- به حساب نیاوردن واژه «اللَّهُ» در نخستین آیه از سوره فاتحه (در حالی که دیگر واژه های این آیه در مواضع خود به حساب آمده اند)؛ ۲- اشتباه چاپی در ثبت تعداد دقیق موارد کاربرد واژه «اللَّهُ» و ذکر عدد ۱۱۲۵ به جای ۱۱۲۶ در زیر واژه یادشده. بدین ترتیب، با افزودن این دو مورد به رقم شمارش عبدالباقی، این اختلاف آماری مرتفع می گردد.

ثانیاً: در ذکر ضمائر و حروف، به صورت سلیقه ای و گزینشی عمل کرده است؛ مثلاً از میان انبوه ضمائر منفصل و متصل، تنها به ذکر چند ضمیر منفصل منصوب، یعنی: «إِيَّاكَ»، «إِيَّاكُمْ»، «إِيَّاكَ»، «إِيَّاهُمْ» و «إِيَّاي» بسنده کرده است؛ همچنان که از میان تعداد بسیار زیاد حروف، تنها به ذکر چند حرف مانند «بِئْسَ»، «إِي»، «سَوَفَ» و «هَاءَ تَنْبِيهَ» (در مثل «هَكَذَا» و «هَسَاتُمْ» اکتفاء نموده است. نکته جالب توجه اینکه «هَاء» که یک پیشوند است، به عنوان مدخل ذکر شده، ولی «أَنْتُمْ» که یک کلمه اصلی است؛ نیامده است.

ثالثاً: در مورد برخی از مدخل ها به صورت یکسان عمل نشده است؛ مثلاً در مورد اسماء موصول، واژه «الَّذِي» با ۳۰۴ مورد کاربرد و جمع آن «الَّذِينَ» با ۱۰۸۰ مورد کاربرد نیامده، در حالی که تشبیه آن «الَّذِينَ» و «الَّذَانِ» هر کدام با یک کاربرد ذکر شده است؛ همچنان که واژه «هَذَا» با ۲۲۵ مورد کاربرد نیامده، ولی تشبیه آن «هَذَانِ» با دو کاربرد آمده است.

با توجه به آنچه ذکر شد، باید توجه داشت در جستجوهای «مفهومی» و یا «لفظی - مفهومی» که وجود و عدم «ال» تنوین و نوع حرکت اعرابی کلمات نقش چندانی ندارند و مهم مفاهیم الفاظ است، لازم است همه موارد کاربرد واژه و حالت های گوناگون آن ملاحظه شود.

۴) همه واژه هایی که قطعاً دخیل است و یا احتمال دخیل بودن آن قوی است، با قرار دادن علامت ستاره (\*) در قسمت بالای سمت چپ آنها مشخص شده است.

۵) مشخص کردن آن دسته از افعال مضارع باب «فعل» و «تفاعل» که یکی از دو «نای مفتوح» «ت» خطاب و «ت» باب به خاطر تخفیف، از ابتدای آنها حذف شده است (مجموعاً ۲۹ مورد). بدین منظور، حرف محذوف داخل پرانتز و در ابتدای افعال یاد شده قرار داده شده است؛ مانند «(ت) تَبَدَّلَ» (احزاب: ۵۲) و «(ت) تَزَاوَرُ» (کهف: ۱۷).

۶) مشخص کردن کلماتی که «ی» و «و» از آخر آنها حذف شده است (مجموعاً ۶۷ مورد). این کلمات با قرار گرفتن حرف محذوف در داخل پرانتز و در انتهای آنها مشخص شده است؛ مانند: «دُعَا (ی)» (ابراهیم: ۴۰)، «تُحْزُون (ی)»، «يُدْعُو (و)» (اسراء: ۱۱) و «يَمْحُو (و)» (شوری: ۲۴).

۷) در نگارش کلمات ستون مدخل از نقطه نظر املا و اعراب گذاری، تنها اقتضای ساختار صرفی آنها مدنظر بوده است، نه رسم الخط مصحف و نه اقتضای موقعیت جغرافیایی آنها در ارتباط با کلمات قبل و بعد؛ از این رو، مثلاً در مواردی نظیر: الف «فَسْتَلِ» (یونس: ۹۴) که رسم المصحف اقتضای آن داشته که این کلمه بدون همزه وصل بیاید؛ ب) در مواردی که برای رفع النقص ساکنین، حرف آخر کلمه مکسور و یا مضموم شده، مانند: «قُلْ» و «رَأَوْا» در «قُلْ انظُرُوا» (یونس: ۱۰۱) و «رَأَوْا الْعَدَا بَ» (بقره: ۱۶۶)؛ ج) کلمات مختوم به «الف مقصوره» که به سبب قرار گرفتن قبل از کلمه ای که با حرف ساکن شروع می شوند، «الف کوچک» بر روی یاء «ی» حذف می شود، مثل

۱۰. در معجم محمد فؤاد عبدالباقی مدخل ها معمولاً به همراه این دسته از حروف متصل و منفصل آمده اند؛ هر چند در موارد اندکی نامهمانگ عمل شده است و برخی از مدخل ها فاقد پیشوند متصل اند.

۱۱. واژه هایی که دارای تنوین نصب هستند (مثل ذکراً)، به سبب «الف» اضافی در آخر آن، خود به خود در آخر قرار می گیرند.

۱۲. در این زمینه نیز در معجم محمد فؤاد عبدالباقی مدخل ها به صورت یکسان ثبت نشده اند؛ مدخل ها گاهی دارای «ال» و گاهی فاقد «ال» هستند.

۱- مؤلف یکایک مدخل ها را، هم از نظر تعداد و هم از نظر میزان فراوانی، هم با معجم عبدالباقی و هم با المعجم الإحصائی مقایسه و کنترل کرده است. وی به جای آنکه مدخل های مربوط به هر یک از ریشه ها را مستقلاً و از نو تایپ کند، آنها را از خود آیات گرفته و گفته است با این کار، دو هدف را دنبال کرده است: الف) اطمینان یافتن از اینکه مبدا مدخلی از قلم بیفتند و یا ناخواسته میزان فراوانی آن کاهش و یا افزایش یابد؛ ب) پی بردن به خطاهای احتمالی در ناحیه حرکت های اعرابی کلمات. در نهایت، مؤلف توانسته است به طور ضمنی فایده قرآن مورد استفاده خویش را تصحیح نماید.

۲- مدخل ها بر خلاف معجم محمد فؤاد عبدالباقی<sup>۱۱</sup> به طور یکسان، فاقد هر گونه پیشوند، اعم از پیشوندهای منفصل مانند «و»، «أ»، «لَمْ» و پیشوندهای متصل مانند «ب»، «ت»، «س»، «ف» می باشند؛ این در حالی است که همه پیشوندها، مانند ضمائر متصل و «نون تأکید» به حال خود باقی گذارده شده اند؛ مانند: «أَخَذَتْهُمْ» و «أَصَلَبْتُمْ» که حرف «ف» و «ل» به ترتیب از ابتدای آنها حذف شده، ولی ضمیر «هُمْ» و «نون تأکید» به همراه ضمیر «كُم» باقی مانده اند.

۳- در این معجم، مدخل های اسمی دارای «ال» و بدون «ال»، مدخل های دارای تنوین و بدون تنوین، مدخل هایی که حرف آخر آنها دارای حرکت اعرابی متفاوت است، از یکدیگر تفکیک و به ترتیب زیر ذکر شده اند: الف) واژه های بدون «ال» و بدون تنوین؛ ب) واژه های بدون «ال» و دارای تنوین مضموم و مکسور؛<sup>۱۲</sup> ج) واژه های دارای «ال». در هر یک از سه حالت یاد شده، اول واژه های مضموم، پس از آن واژه های مفتوح، و سپس واژه های مکسور ذکر شده اند؛ بر این اساس، تمامی واژه هایی که در معجم عبدالباقی، ذیل مدخل «الدین» و «ذکر» آمده، در این جا از هم تفکیک و بدین ترتیب ذکر شده اند:

«دین»، «دین»، «دین»، «الدین»، «الدین» و «دین (ی)»؛  
«ذکر»، «ذکر»، «ذکر»، «ذکر»، «ذکر»، «الذکر»، «الذکر» و «الذکر».<sup>۱۲</sup>

در بخش فعل هم وضع تقریباً به همین منوال است؛ یعنی اول فعل مضارع مرفوع، پس از آن فعل منصوب، و سپس فعل مجزوم ذکر می شود؛ مثل «يَجْعَلُ»، «يَجْعَلُ» و «يَجْعَلُ» و نیز «يَأْتِي» و «يَأْتِي».



واژه «موسی» در «موسى الكتاب» (بقره: ۵۳)، صورت اصلی کلمه مدنظر بوده و واژه های یادشده به ترتیب، ذیل مدخل «اسأل»، «قل»، «راوا» و «موسی» آمده اند.

۸) در صورتی که هر یک از واژه های قرآنی بیش از یک مورد کاربرد داشته است، فراوانی کاربرد آن را زیر مدخل و داخل پراکنتر ذکر کرده است.

#### ویژگی های ستون آیات

برخی از ویژگی های ستون آیات به قرار زیر است:

۱- هر چند هدف اصلی این قبیل معجم ها، تسریع و تسهیل در امر جستجوهای لفظی و به اصطلاح «واژه یابی» است، ولی با کامل و یا کامل تر کردن سیاق آیات به گونه ای که به تنهایی معنای کامل و محصلی را افاده کند و حتی الامکان انسان را از مراجعه به متن قرآن بی نیاز سازد، زمینه تا حدودی برای جستجوهای مفهومی و به اصطلاح «موضوع یابی» فراهم آمده است. مؤلف در این راستا خود چنین می گوید:

یکایک آیات معجم مرحوم عیدالباقی مورد بررسی مجدد قرار گرفته و با مراجعه مکرر به قرآن کریم و مشاهده متن کامل هر یک از آیات و در مواردی نیز مشاهده آیات قبل و بعد، حذف و اضافاتی در بسیاری از آنها صورت داده ایم... در یک کلام، می توان گفت: گزینش مقدار کلمات یک آیه یا توجه به معیارهای سه گانه زیر صورت گرفته است: الف) حتی الامکان کامل بودن معنای سیاق آیه؛ ب) اکتفا به مقدار لازم و پرهیز از افزایش حجم معجم؛ ج) سفیدخوانی و زیبایی صفحات معجم. در عین حال، در مواردی که در حذف بخشی از یک آیه در تردید بوده ایم، احتیاط را در جانب پرهیز از حذف، نگاه داشته ایم؛ یا این همه، در موارد نسبتاً نادری ملاحظه می شود سیاق آیه کامل نیست و این، یا ناشی از ابجاز و حذفی است که به عللی در متن خود آیه صورت گرفته و یا کامل کردن سیاق مستلزم ذکر مقدار زیادی از یک آیه بوده است که به خاطر حجیم نشدن کتاب، از آن صرف نظر کرده ایم.

۲- به منظور تسریع و تسهیل در دستیابی به آیه مورد نظر، واژه مدخل در متن آیه با حروف سیاه و رنگی مشخص شده است.

۳- در مواردی که آیه مربوط به مدخل بعد ادامه آیه قبل باشد،

با قرار دادن علامت «\*» در آخر آیه قبل و علامت «>» در ابتدای آیه بعد، این اتصال و تداوم نشان داده شده است.

۴- درشت بودن حروف مورد استفاده.

فصل الحتام این نوشتار را ذکر سخنی از مؤلف کتاب قرار می دهیم. وی پس از اشاره به دقت ها و کوشش های فراوانی که در تدوین و آماده سازی بخش های مختلف کتاب به عمل آمده و نیز چندین و چند نوبت نمونه خوانی و به ویژه تصحیحاتی که توسط مصححان سازمان دارالقرآن الکریم بر روی فایل قرآن کریم - که در تدوین معجم مورد استفاده قرار گرفته است - انجام شده است، می نویسد:

امید آن می رود که ان شاء الله معجم حاضر خالی از هر گونه سهو و خطا باشد؛ ولی با توجه به: ۱- حجم گسترده کار ۲- اعراب گذاری کامل آیات و مشکل ساختن آنها؛ ۳- کامل و یا کامل تر کردن سیاق آیات که مستلزم افزودن کلمه یا کلماتی بر مقدار آیه و یا کاستن از آن بوده است، همواره این احتمال وجود دارد که سهو و خطایی از چشم نگارنده و دیگر مصححان به دور مانده باشد. بر خوانندگان و قرآن پژوهان گرامی پوشیده نیست که در جریان کامل کردن سیاق آیات و اعراب گذاری آنها، به تعداد دفعات افزودن بر مقدار آیه و یا کاستن از آن و نیز به تعداد حرکتی که بر یکایک حروف نشسته، بر ضریب خطای کار افزوده می گردد.

در هر حال، بدیهی است به انجام رسیدن این قبیل کارهای خطیر، مشارکت و مساعدت انسان های فرهیخته و تیزبین را می طلبد؛ از این رو، نگارنده از همه قرآن پژوهان و علاقه مندان به این کتاب آسمانی شدیداً درخواست می کند به منظور بزرگداشت قرآن کریم و حرمت نهادن به مقام والای آن، با گوشزد کردن سهو و خطاهای احتمالی معجم حاضر و ارسال انتقادات و پیشنهادهای خود، وی را در پراستن کاستی های آن در چاپ های بعدی یاری رسانند.

